

ORIGINAL ARTICLE

The Role of Philosophical Mindset in Predicting Teaching Styles and Quality of Education of Second-Year Elementary School Teachers in Reagan City

Asghar Salami Naveh*¹ , Fateme Abyar²

1. Assistant Professor,
Department of Philosophy
and Islamic Theology,
Vali -E-Asr University,
Rafsanjan., Rafsanjan,
Iran
2. Master of Degree in
Elementary and Preschool
Education, Islamic Azad
University, Anar
Branch, Anar, Iran.

Correspondence:

Asghar Salami Naveh
Email: a.salimi@vru.ac.ir

Receive Date: 29/Jun/2025
Revise Date: 07/Nov/2025
Accept Date: 06/Jan/2026
Publish Date: 21/Mar/2026

How to cite:

Salami Naveh, A & Abyar, F.
(2026). Cultural Approach
to Artificial Intelligence
Literacy in Gen Z Students,
*Technology and Scholarship in
Education*, 6 (1), 20, 133-148.
[https://doi.org/10.30473/t-
edu.2026.75003.1290](https://doi.org/10.30473/t-edu.2026.75003.1290)

ABSTRACT

This research was conducted with the purpose of investigating the role of philosophical mindset in predicting teaching styles and quality of education of second-year elementary school teachers in Reagan County. Considering the purpose and nature of the research method, this research is applied in terms of purpose and is of a survey (cross-sectional) type in terms of data collection. The statistical population of this study was all second-grade elementary school teachers in Reagan County in the 1402-1403 academic year, all of whom were selected as samples. Data collection tools: Grasha Teaching Style Questionnaire (1996), Rasouli Education Quality Questionnaire (2010), and Jahangiri Philosophical Mindset Questionnaire (2014). The research findings showed that teachers who have a better philosophical mindset have a higher score in teaching style, and teachers with a higher philosophical mindset score have a better situation in productive teaching style, practical teaching style, analytical teaching style, and creative teaching style. Also, teachers with a higher philosophical mindset score have better teaching quality. According to the research findings, teachers who have a better philosophical mindset are more successful in teaching style and teaching quality.

KEY WORDS

Philosophical Mindset, Teaching Styles, Quality of Education.



«مقاله پژوهشی»

نقش ذهنیت فلسفی در پیش‌بینی سبک‌های تدریس و کیفیت آموزش معلمان دوره دوم ابتدایی شهرستان ریگان

اصغر سلیمی نوه^{*۱} ID، فاطمه آبیاری^۲

۱. استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان، رفسنجان، ایران.
۲. کارشناس ارشد رشته آموزش ابتدایی - پیش دبستانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد انار، انار، ایران.

نویسنده مسئول:

اصغر سلیمی نوه

رایانامه: a.salimi@vru.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۰۸

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۱۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۰۱

استناد به این مقاله:

سلیمی نوه، اصغر و آبیاری، فاطمه. (۱۴۰۵). نقش ذهنیت فلسفی در پیش‌بینی سبک‌های تدریس و کیفیت آموزش معلمان دوره دوم ابتدایی شهرستان ریگان، فناوری و دانش پژوهی در تعلیم و تربیت، ۶ (۱)، ۲۰، ۱۳۳-۱۴۸.

<https://doi.org/10.30473/t-edu.2026.75003.1290>

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی نقش ذهنیت فلسفی در پیش‌بینی سبک‌های تدریس و کیفیت آموزش معلمان دوره دوم ابتدایی شهرستان ریگان انجام شد. با در نظر گرفتن هدف و ماهیت پژوهش روش تحقیق، این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش کلیه معلمان دوره دوم ابتدایی شهرستان ریگان در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ بود که همه بعنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه ذهنیت فلسفی جهانگیری (۱۳۹۳)، پرسشنامه سبک تدریس گراشا (۱۹۹۶) و پرسشنامه کیفیت آموزش رسولی (۱۳۸۹) است. یافته‌های تحقیق نشان داد که معلمان که ذهنیت فلسفی بالاتری دارند، نمره بیش‌تری در سبک تدریس دارند و معلمان با نمره بالاتر در ذهنیت فلسفی، وضعیت بهتری در سبک تدریس مولد، سبک تدریس عملی، سبک تدریس تحلیلی و سبک تدریس خلاق دارند، همچنین معلمان با نمره ذهنیت فلسفی بالاتر از کیفیت تدریس بهتری برخوردار هستند، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که معلمان که از ذهنیت فلسفی بالاتری برخوردار هستند، در سبک تدریس و کیفیت تدریس موفق‌تر هستند.

واژه‌های کلیدی

ذهنیت فلسفی، سبک‌های تدریس، کیفیت آموزش.



مقدمه

نظام آموزشی به عنوان یکی از ارکان بنیادی هر جامعه، مسئولیت خطیر تعلیم و تربیت انسان‌های توسعه‌یافته و ترویج فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی را بر عهده دارد. تحقق اهداف این نظام سازنده، مستلزم حضور افرادی است که در تفکر، از محدودیت، سطح‌نگری و جزءنگری فاصله گرفته و به سمت جامعیت، تعمق، ژرف‌نگری و انعطاف‌پذیری حرکت کنند. چنین تحول فکری‌ای در مدیران و معلمان، شرط اساسی برای سوق دادن آموزش و پرورش به سوی توسعه همه‌جانبه و پایدار است. در این راستا، اندیشه و عمل مربیان، تأثیر مستقیمی بر سازندگی، رفاه عمومی، عدالت اجتماعی و رضایت همگانی دارد. به‌عنوان شاهدهی بر این مدعا، حاجی بابایی (۱۳۹۱) اشاره می‌کند که یک رنسانس معنوی (یا انقلابی در مسیر چگونگی اندیشه) در حال تسخیر جهان است.

برای دستیابی به این سطح از تفکر تحول‌آفرین، توجه به مفهوم «ذهنیت فلسفی»^۱ ضروری است. ذهنیت فلسفی، به‌عنوان طرز تفکر صحیح علمی، مجموعه‌ای از توانایی‌ها و ویژگی‌های ذهنی است که فرد را در استدلال صحیح یاری کرده و او را به اتخاذ قضاوت‌های درست عادت می‌دهد. این ویژگی‌ها در سه بُعد اصلی شامل جامعیت، تعمق و انعطاف‌پذیری دسته‌بندی می‌شوند (معظمی و والا، ۱۳۹۱). برخورداری معلمان از این خصوصیات مرتبط، به آن‌ها امکان می‌دهد تا به‌طور مؤثرتری با چالش‌ها و مشکلات آموزشی مواجه شوند و فرآیند یاددهی-یادگیری را بهبود بخشند.

بدیهی است معلمان دارای ذهن فلسفی، با فراهم آوردن فرصت‌های یادگیری هدفمند و ترتیب دادن مواد آموزشی برای ایجاد موقعیت‌های مطلوب، زمینه‌های پرورش تفکر و رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان را فراهم می‌آورند. در همین راستا، لیپمن (۲۰۰۳) بر این باور است که مهم‌ترین مأموریت در آموزش و پرورش، «پرورش تفکر» در دانش‌آموزان است و هدف نهایی از آموزش، تربیت افرادی متفکر و اندیشمند در نظام تعلیم و تربیت

می‌باشد. این رویکرد، ما را به سمت بحث تدریس اثربخش و کیفیت تدریس سوق می‌دهد.

تدریس اثربخش مجموعه‌ای از رفتارهای معلمان است که در نهایت منجر به دستیابی به اهداف آموزشی و یادگیری عمیق‌تر فراگیران می‌شود. این رفتارها صرفاً شامل انتقال محتوا نیستند، بلکه شامل دانش‌پژوهی، استفاده از روش‌های تدریس مؤثر، مهارت‌های ارتباطی و ویژگی‌های شخصیتی برجسته استادان نیز می‌گردد (کوهساری و همکاران، ۲۰۲۲). از سوی دیگر، کیفیت تدریس به‌عنوان آموزشی تعریف می‌شود که به یادگیری مؤثر منجر شده و معنای آن کسب دانش، مهارت‌ها و ارزش‌های پایدار و کامل توسط دانش‌آموزان است (سعیدی و همکاران، ۲۰۲۱).

تدریس با کیفیت و اثربخش، ارتباط تنگاتنگی با سبک تدریس دارد. سبک تدریس، کنش متقابل برنامه‌ریزی‌شده‌ای بین آموزش‌دهنده و فراگیر است که در جریان این تعامل، مربی تلاش می‌کند شرایط مطلوب تغییر و یادگیری را فراهم آورد. «کیفیت تدریس»^۲ این است که چگونه معلم بتواند راهبردهای مناسب آموزشی را به طور مؤثر در فرایند تدریس مورد استفاده قرار دهد (مهدی پور و همکاران، ۲۰۲۴). سبک تدریس طرحی است که برای آموزش در کلاس درس یا در حالت آموزش فردی به کار می‌رود و تأثیر بسزایی در فرایند یادگیری دانش‌آموزان دارد (اشکانی و همکاران، ۱۴۰۲). باید توجه داشت که مربیان نیز مانند فراگیران دارای سبک‌های تدریس ترجیحی خود هستند و ویژگی‌های شخصیتی و فلسفی مدرس به‌طور مستقیم بر انتخاب سبک تدریس او تأثیر می‌گذارد (آرین و همکاران، ۲۰۲۳).

پژوهشگران گوناگونی سبک‌های تدریس را دسته‌بندی کرده‌اند. به‌طور مثال، دوریز (۱۹۹۹) سه سبک اصلی شامل: رو به رو شدن با تکلیف متناسب، انتقال، و جستجو را معرفی می‌کند. در یک تقسیم‌بندی عمومی‌تر، سبک‌های تدریس از نظر سلیبی (۱۹۹۹) به دو دسته فعال و غیرفعال تقسیم می‌شوند. همچنین، استندلر (۲۰۱۱) چهار دسته شامل اقتدار رسمی، نمایشی، تسهیل‌کننده و

این پژوهش از لحاظ هدف، در دسته تحقیقات کاربردی قرار می‌گیرد و از نظر ماهیت و روش گردآوری داده‌ها، یک مطالعه همبستگی^۱ محسوب می‌شود.

جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه معلمان دوره دوم ابتدایی (پایه‌های چهارم، پنجم و ششم) شهرستان ریگان در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ است. حجم نمونه مورد بررسی در این تحقیق، با در نظر گرفتن جمعیت محدود جامعه آماری، برابر با کل جامعه (۱۷۵ نفر) انتخاب گردید. روش نمونه‌گیری مورد استفاده در این پژوهش، به دلیل دسترسی کامل به تمامی اعضای جامعه، نمونه‌گیری در دسترس است.

ابزار گردآوری داده‌ها

پرسشنامه سبک تدریس: پرسشنامه سبک تدریس گراشا (۱۹۹۶) دارای ۴۰ سوال و ۵ خرده مقیاس شامل سبک خبره (۸ سوال)، سبک آمرانه (۸ سوال)، سبک مدل فردی (۸ سوال)، سبک تسهیل‌کننده (۸ سوال) و سبک وکالتی (۸ سوال) می‌باشد که توسط گراشا (۱۹۹۶)، بر اساس طیف ۵ گزینه ۷-ای لیکرت از خیلی کم تا خیلی زیاد تنظیم شده است.

پرسشنامه کیفیت آموزش: این پرسشنامه توسط رسولی در سال ۱۳۸۹ ساخته شده است. پرسشنامه کیفیت تدریس رسولی دارای ۳۸ سوال می‌باشد و مقیاس جواب آن بر اساس طیف لیکرت چهار درجه‌ای است. نحوه پاسخ‌گویی به سوالات بر اساس گزینه‌های کم تا زیاد می‌باشد.

پرسشنامه ذهنیت فلسفی: پرسشنامه بر اساس نظریه اسمیت (۱۹۶۵) طراحی و اعتباریابی شده است، پرسشنامه شامل ۴۲ گویه بسته پاسخ بر اساس طیف پنج درجه‌ای لیکرت می‌باشد، پرسشنامه سه بعد جامعیت، تعمق و انعطاف‌پذیر را مورد سنجش قرار می‌دهد، پرسشنامه توسط جهانگیری (۱۳۹۳) اعتباریابی شده است.

جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار) و آمار استنباطی شامل ضریب همبستگی

اختیاری را معرفی می‌کند. پرات (۲۰۰۱) نیز پنج پارامتر اساسی را برای تنظیم سبک تدریس توصیه می‌کند که شامل نحوه انتقال، توسعه، تکمیل، کارآموزی و پرورش اجتماعی است. در نهایت، سالوارا (۲۰۰۷) به چهار سبک مولد، همانندساز، اکتشافی و مقتدر اشاره دارد. گراشا (۲۰۲۱) نیز پنج سبک خبره، آمرانه، مدل فردی، تسهیل‌کننده و وکالتی را بررسی می‌کند که هر یک ویژگی‌ها و محدودیت‌های خاص خود را دارند.

در میان این دسته‌بندی‌ها، سبک‌های فراگیر محور اهمیت ویژه‌ای در نظام‌های آموزشی نوین پیدا کرده‌اند. از نظر آپاندا و دامه (۲۰۰۶)، در سبک فراگیر محور، مربی با در نظر گرفتن تفاوت‌های فردی میان فراگیران، فعالیت‌های مختلفی را طراحی کرده و نقش فعالی در مواجهه با مشکلات آنان ایفا می‌کند. معلم در این روش، بر رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان تمرکز کرده و ارتباطی صمیمانه و سازنده با آن‌ها برقرار می‌سازد. در مقابل، سبک تدریس مبتنی بر موضوعات درسی، کمتر به تفاوت‌های فردی و رشد شخصیتی فراگیران بها داده و تمرکز اصلی آن بر تسلط دانش‌آموزان بر محتوای درسی است؛ رویکردی که با اهداف توسعه پایدار و پرورش تفکر فلسفی در تضاد قرار می‌گیرد.

استراتژی‌های منجر به تدریس با کیفیت شامل نوشتن اهداف آموزشی مشخص، ایجاد شرایط یادگیری مناسب و استفاده از روش‌های متنوع و فعال آموزشی است. مطالعات نشان می‌دهند که تدریس اثربخش منعکس‌کننده یادگیری اثربخش است (اسماعیلی، ۲۰۱۵). همچنین، مدیریت کیفیت از مباحث مهم در نظام‌های آموزشی به شمار می‌رود (سیفرد و آنسمن، ۲۰۱۸). در نهایت، آگاهی معلمان از کیفیت عملکرد خود در جریان تدریس، به آن‌ها امکان می‌دهد تا به اصلاح شیوه‌ها و روش‌های آموزشی و در نتیجه افزایش کیفیت و اثربخشی تدریس خود بپردازند (اسدیان، ۱۳۹۶).

روش

پیرسون استفاده شده است. تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش به منظور بررسی طبیعی بودن توزیع داده‌ها از آزمون کلموگروف با استفاده از نرم افزار آماری SPSS شده است. اسمیرنف (K-S) استفاده شد. نتایج آزمون K-S در جدول زیر آمده است.

یافته‌ها

جدول ۱. آزمون کلموگروف-اسمیرنف طبیعی بودن توزیع داده‌ها

نام متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	آماره آزمون k-s	سطح معنی داری
ذهنیت فلسفی	۱۴۵/۴	۲۱/۹۵	۰/۰۶	۰/۰۷۹
سبک تدریس	۷۴/۱۷	۱۸/۴۲	۰/۱۹	۰/۰۰۱
کیفیت تدریس	۶۶/۴۴	۷/۱۹	۰/۱۱	۰/۰۰۱
سبک مولد	۱۸/۵۰	۴/۶۱	۰/۱۱	۰/۰۰۱
سبک عملی	۱۸/۷۶	۵/۰۲	۰/۲۱	۰/۰۰۱
سبک تحلیلی	۱۸/۳۷	۴/۹۰	۰/۱۸	۰/۰۰۱
سبک خلاق	۱۸/۵۴	۵/۰۵	۰/۱۶	۰/۰۰۱

بررسی فرضیه اول: بین ذهنیت فلسفی و سبک‌های تدریس معلمان دوره دوم ابتدایی شهرستان ریگان رابطه مثبت و معنی-داری وجود دارد.

فرض صفر: بین ذهنیت فلسفی و سبک‌های تدریس معلمان دوره دوم ابتدایی شهرستان ریگان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود ندارد.

همانطور که در جدول آزمون k-S مشاهده می‌شود برای همه متغیرها به جز ذهنیت فلسفی، سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد و با توجه به اینکه در آزمون k-S اگر سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ باشد فرض طبیعی بودن توزیع داده‌ها رد می‌شود، در نتیجه توزیع داده‌های تحقیق نرمال نمی‌باشد و نمی‌توان از آزمون همبستگی پارامتریک (پیرسون) استفاده نمود بنابراین آزمون فرضیات تحقیق با استفاده از ضریب همبستگی اسپیرمن انجام شده است.

جدول ۲. نتایج آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن بین ذهنیت فلسفی و سبک تدریس

متغیرها	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
ذهنیت فلسفی	۰/۲۹۷	۰/۰۰۱
سبک تدریس		

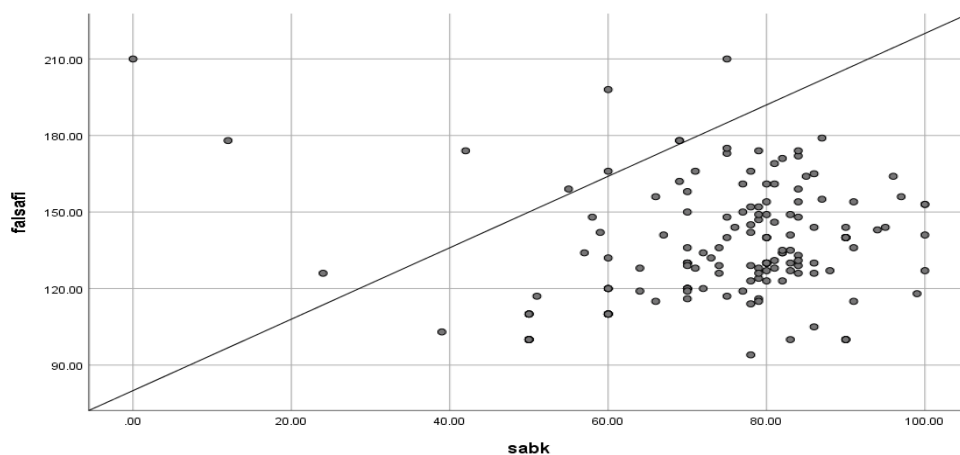
است که هرچند شدت این رابطه در حد ضعیف تا متوسط است، اما جهت آن مثبت بوده و با افزایش ذهنیت فلسفی، سبک تدریس نیز به شکلی قابل پیش‌بینی تغییر می‌کند. سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱ نیز نشان می‌دهد که این رابطه از نظر آماری کاملاً معتبر است و احتمال اینکه این نتیجه به‌صورت تصادفی

همانطور که در جدول نتایج مشاهده می‌شود، با توجه به سطح معنی داری (۰/۰۰۱) که کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد فرض صفر تحقیق رد می‌شود و فرض حکم پذیرفته می‌شود؛ بدین معنا که بین ذهنیت فلسفی معلمان و سبک تدریس آن‌ها رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی ۰/۲۹۷ بیانگر آن

ذهنیت فلسفی به‌عنوان یک ویژگی شناختی - نگرشی، می‌تواند بر نحوه تعامل معلم با محتوا، دانش‌آموز و محیط یادگیری اثرگذار باشد.

در شکل زیر نمودار پراکندگی بین ذهنیت فلسفی و سبک تدریس نشان داده شده است.

به دست آمده باشد بسیار کم است. این یافته با مبانی نظری مرتبط با نقش تفکر فلسفی در فرایند آموزش همسو است. نتایج حاصل از این پژوهش با پژوهش سیف هاشمی (۱۳۸۲) هم خوانی دارد. پژوهش‌های پیشین نیز نشان داده‌اند که معلمانی که از تفکر انتقادی، انعطاف‌پذیری شناختی و نگاه فلسفی بالاتری برخوردارند، معمولاً از روش‌های تدریس فعال، پرسش‌محور، مشارکتی و عمیق‌تر استفاده می‌کنند. بنابراین می‌توان گفت



نمودار ۱. پراکندگی بین ذهنیت فلسفی و سبک تدریس

فرض صفر: بین ذهنیت فلسفی و سبک تدریس مولد معلمان دوره دوم ابتدایی شهرستان ریگان رابطه مثبت و معنی داری وجود ندارد.

بررسی فرضیه فرعی اول: بین ذهنیت فلسفی و سبک تدریس مولد معلمان دوره دوم ابتدایی شهرستان ریگان رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

جدول ۳. نتایج آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن بین ذهنیت فلسفی و سبک تدریس مولد

متغیرها	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
ذهنیت فلسفی	۰/۲۴۳	۰/۰۰۱
سبک تدریس مولد		

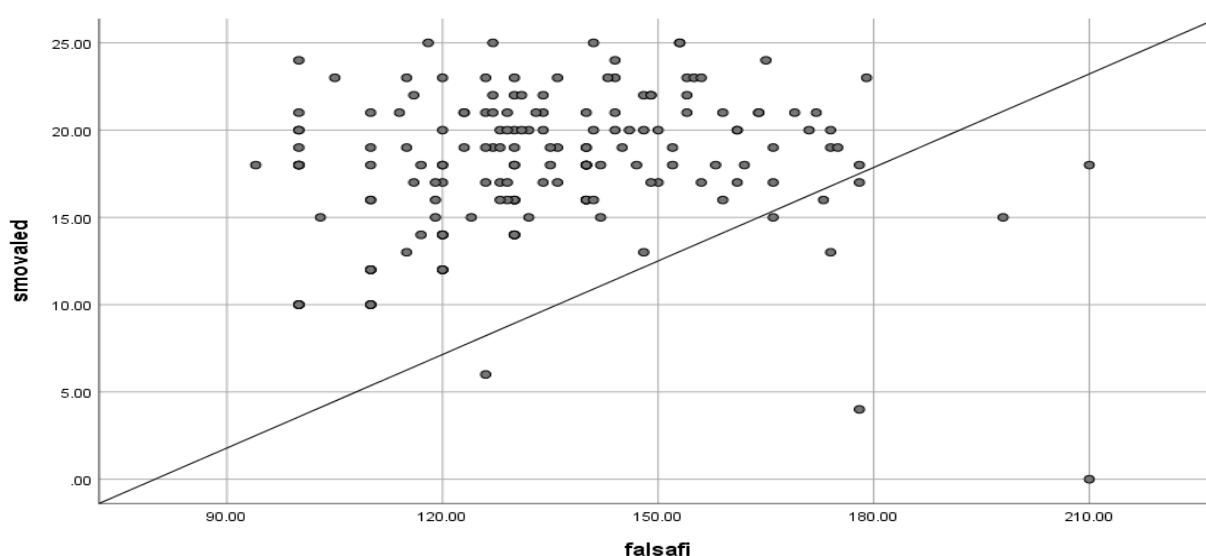
فلسفی می‌تواند به بهبود سبک تدریس مولد منجر شود. سطح معنی داری ۰/۰۰۱ نیز اعتبار آماری این یافته را تأیید می‌کند. این نتیجه با مبانی نظری همخوانی دارد؛ زیرا ذهنیت فلسفی به‌عنوان مجموعه‌ای از ویژگی‌های جامعیت، تعمق و انعطاف‌پذیری، معلمان را به سمت استفاده از روش‌های تدریس مولد سوق می‌دهد. در سبک تدریس مولد، معلم تلاش می‌کند شرایطی فراهم آورد که دانش‌آموزان خود به تولید دانش، کشف مفاهیم و

همانطور که در جدول نتایج مشاهده می‌شود، با توجه به سطح معنی داری (۰/۰۰۱) که کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد فرض صفر تحقیق رد می‌شود و فرض حکم پذیرفته می‌شود؛ بین ذهنیت فلسفی معلمان (متغیر پیش‌بین) و سبک تدریس مولد (متغیر ملاک) رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد. ضریب همبستگی ۰/۲۴۳ بیانگر آن است که شدت رابطه در حد ضعیف تا متوسط است، اما جهت آن مثبت بوده و نشان می‌دهد که افزایش ذهنیت

برنامه‌های توسعه حرفه‌ای را برجسته می‌سازد. در سطح کلان، می‌توان پیش‌بینی کرد که ارتقای ذهنیت فلسفی معلمان به بهبود کیفیت آموزش و پرورش دانش‌آموزان در ابعاد خلاقیت، تفکر انتقادی و یادگیری پایدار منجر خواهد شد.

در شکل زیر نمودار پراکندگی بین ذهنیت فلسفی و سبک تدریس مولد نشان داده شده است.

خلق ایده‌های جدید بپردازند. بنابراین می‌توان گفت ذهنیت فلسفی به‌عنوان متغیر پیش‌بین، توانایی پیش‌بینی گرایش معلمان به استفاده از سبک‌های تدریس مولد را دارد. می‌توان گفت هرچه سطح ذهنیت فلسفی معلمان بالاتر باشد، پیش‌بینی می‌شود که آنان بیشتر از سبک‌های مولد استفاده می‌کنند؛ یعنی به جای انتقال صرف اطلاعات، شرایطی برای یادگیری فعال، تولید دانش و پرورش خلاقیت دانش‌آموزان فراهم آورند. این نتیجه اهمیت توجه به تقویت ذهنیت فلسفی در دوره‌های تربیت معلم و



نمودار ۲. پراکندگی بین ذهنیت فلسفی و سبک تدریس مولد

فرض صفر: بین ذهنیت فلسفی و سبک تدریس عملی معلمان دوره دوم ابتدایی شهرستان ریگان رابطه مثبت و معنی داری وجود ندارد.

بررسی فرضیه فرعی دوم: بین ذهنیت فلسفی و سبک تدریس عملی معلمان دوره دوم ابتدایی شهرستان ریگان رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

جدول ۴. نتایج آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن بین ذهنیت فلسفی و سبک تدریس عملی

متغیرها	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
ذهنیت فلسفی	۰/۲۷۰	۰/۰۰۱
سبک تدریس عملی		

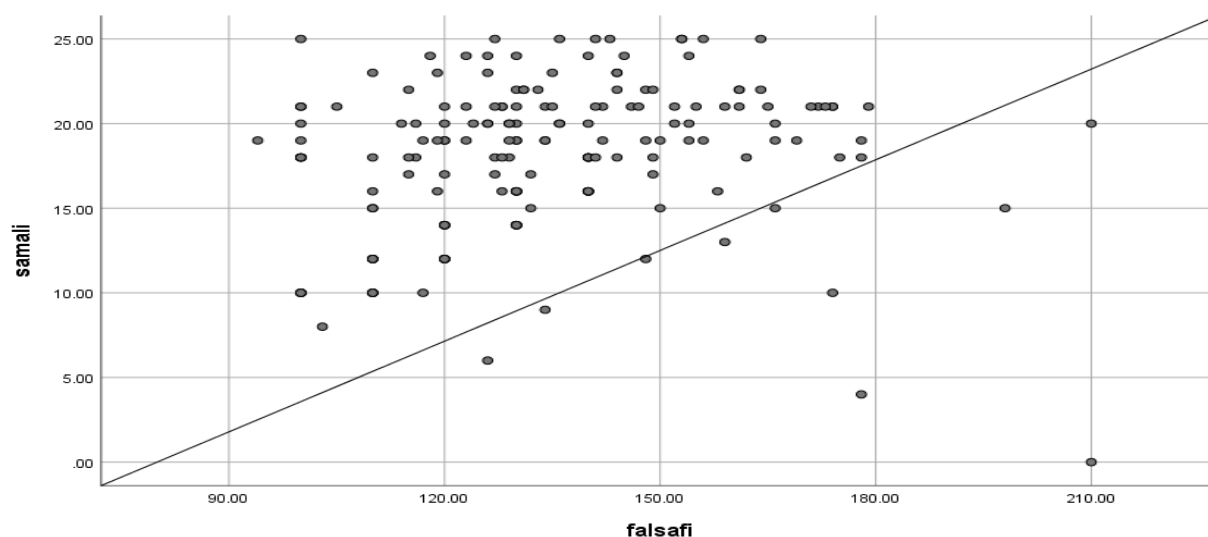
وجود دارد. ضریب همبستگی ۰/۲۷۰ نشان‌دهنده‌ی یک رابطه‌ی مثبت و در حد متوسط است. سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱ نیز بیانگر آن است که این رابطه از نظر آماری معتبر بوده و احتمال وقوع آن به‌صورت تصادفی بسیار اندک است. این نتیجه

همانطور که در جدول نتایج مشاهده می‌شود، با توجه به سطح معنی داری (۰/۰۰۱) که کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد فرض صفر تحقیق رد می‌شود و فرض حکم پذیرفته می‌شود؛ بین ذهنیت فلسفی معلمان و سبک تدریس عملی رابطه‌ای مثبت و معنادار

با مبانی نظری همخوانی دارد؛ زیرا ذهنیت فلسفی که شامل ابعاد جامعیت، تعمق و انعطاف‌پذیری است، معلمان را به سمت استفاده از روش‌های تدریس عملی سوق می‌دهد. در سبک تدریس عملی، معلم تلاش می‌کند دانش‌آموزان را درگیر فعالیت‌های واقعی و کاربردی کند و یادگیری را از سطح نظری به سطح تجربه و عمل منتقل نماید. بنابراین می‌توان گفت ذهنیت فلسفی به‌عنوان متغیر پیش‌بین، توانایی پیش‌بینی گرایش معلمان به استفاده از سبک‌های تدریس عملی را دارد. درواقع هرچه سطح ذهنیت فلسفی معلمان بالاتر باشد، پیش‌بینی می‌شود که آنان بیشتر از سبک‌های عملی استفاده کنند؛ یعنی آموزش را به

تجربه‌های واقعی، فعالیت‌های کاربردی و تمرین‌های عملی نزدیک‌تر سازند. این نتیجه اهمیت توجه به تقویت ذهنیت فلسفی در دوره‌های تربیت معلم و برنامه‌های توسعه حرفه‌ای را برجسته می‌سازد. در سطح کلان، می‌توان پیش‌بینی کرد که ارتقای ذهنیت فلسفی معلمان به بهبود کیفیت آموزش عملی و افزایش توانایی دانش‌آموزان در حل مسائل واقعی و کاربردی منجر خواهد شد.

در شکل زیر نمودار پراکندگی بین ذهنیت فلسفی و سبک تدریس عملی نشان داده شده است.



نمودار ۳. پراکندگی بین ذهنیت فلسفی و سبک تدریس

بررسی فرضیه فرعی سوم: بین ذهنیت فلسفی و سبک تدریس تحلیلی معلمان دوره دوم ابتدایی شهرستان ریگان رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

فرض صفر: بین ذهنیت فلسفی و سبک تدریس تحلیلی معلمان دوره دوم ابتدایی شهرستان ریگان رابطه مثبت و معنی داری وجود ندارد.

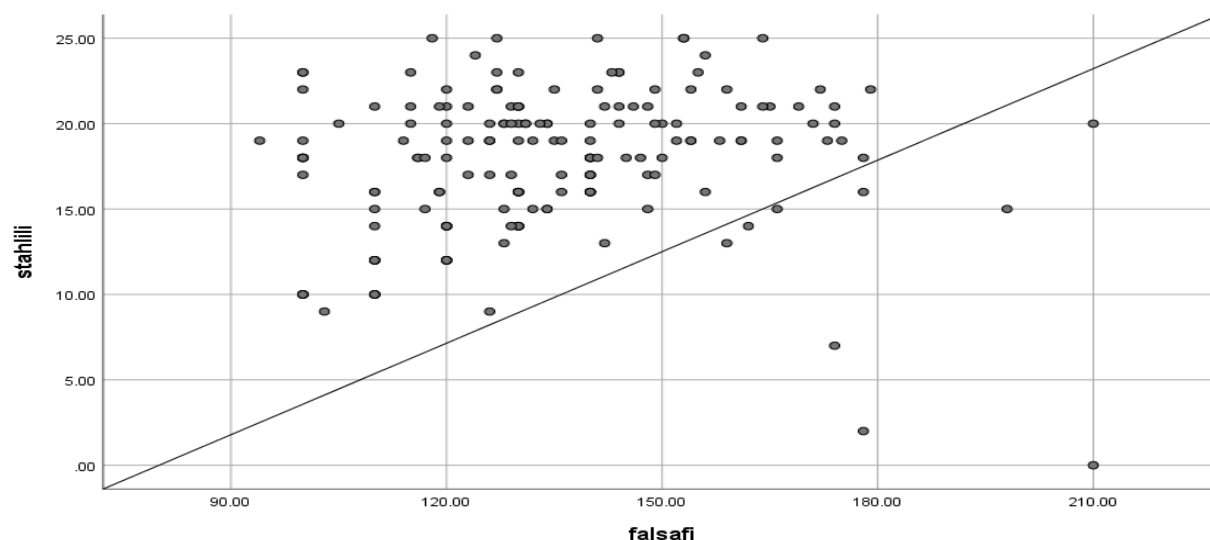
جدول ۵. نتایج آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن بین ذهنیت فلسفی و سبک تدریس تحلیلی

متغیرها	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
ذهنیت فلسفی	۰/۳۴۰	۰/۰۰۱
سبک تدریس تحلیلی		

همانطور که در جدول نتایج مشاهده می‌شود، با توجه به سطح معنی‌داری (۰/۰۰۱) که کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد فرض صفر تحقیق رد می‌شود و فرض حکم پذیرفته می‌شود؛ بین ذهنیت فلسفی معلمان و سبک تدریس تحلیلی رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد. ضریب همبستگی ۰/۲۴۰ نشان‌دهنده‌ی یک رابطه‌ی مثبت و در حد ضعیف تا متوسط است. سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱ نیز بیانگر آن است که این رابطه از نظر آماری معتبر بوده و احتمال وقوع آن به صورت تصادفی بسیار اندک است. این نتیجه با مبانی نظری همخوانی دارد؛ زیرا ذهنیت فلسفی که شامل ابعاد جامعیت، تعمق و انعطاف‌پذیری است، معلمان را به سمت استفاده از روش‌های تدریس تحلیلی سوق می‌دهد. در سبک تدریس تحلیلی، معلم تلاش می‌کند دانش‌آموزان را به تفکر انتقادی، بررسی منطقی مسائل و تحلیل مفاهیم هدایت کند. بنابراین می‌توان گفت ذهنیت فلسفی به‌عنوان متغیر

پیش‌بین، توانایی پیش‌بینی گرایش معلمان به استفاده از سبک‌های تدریس تحلیلی را دارد. از این رو هرچه سطح ذهنیت فلسفی معلمان بالاتر باشد، پیش‌بینی می‌شود که آنان بیشتر از سبک‌های تحلیلی استفاده کنند؛ یعنی دانش‌آموزان را به سمت تفکر نقادانه، بررسی منطقی و تحلیل عمیق موضوعات سوق دهند. این نتیجه اهمیت توجه به تقویت ذهنیت فلسفی در دوره‌های تربیت معلم و برنامه‌های توسعه حرفه‌ای را برجسته می‌سازد. در سطح کلان، می‌توان پیش‌بینی کرد که ارتقای ذهنیت فلسفی معلمان به بهبود کیفیت آموزش تحلیلی و افزایش توانایی دانش‌آموزان در حل مسائل پیچیده و تصمیم‌گیری آگاهانه منجر خواهد شد.

در شکل زیر نمودار پراکندگی بین ذهنیت فلسفی و سبک تدریس تحلیلی نشان داده شده است.



نمودار ۴. پراکندگی بین ذهنیت فلسفی و سبک تدریس تحلیلی

بررسی فرضیه فرعی چهارم: بین ذهنیت فلسفی و سبک تدریس خلاق معلمان دوره دوم ابتدایی شهرستان ریگان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

فرض صفر: بین ذهنیت فلسفی و سبک تدریس خلاق معلمان دوره دوم ابتدایی شهرستان ریگان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود ندارد.

جدول ۶. نتایج آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن بین ذهنیت فلسفی و سبک تدریس خلاق

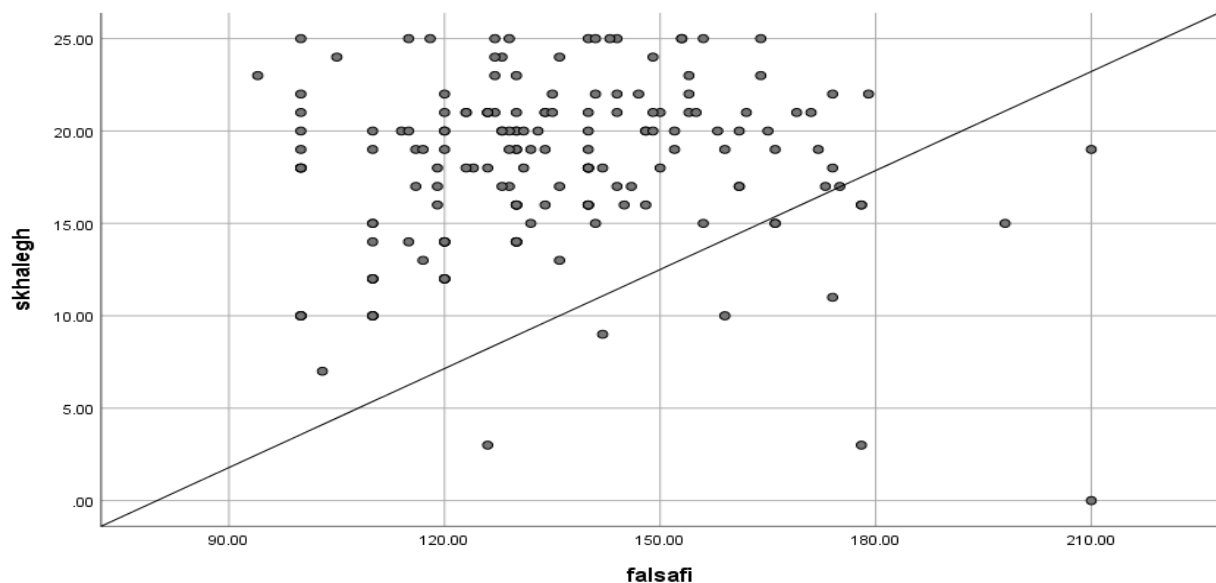
متغیرها	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
ذهنیت فلسفی	۰/۱۸۳	۰/۰۱۵

سبک تدریس خلاق

به‌عنوان متغیر پیش‌بین، توانایی پیش‌بینی گرایش معلمان به استفاده از سبک‌های تدریس خلاق را دارد. به عبارت دیگر، هرچه سطح ذهنیت فلسفی معلمان بالاتر باشد، پیش‌بینی می‌شود که آنان بیشتر از سبک‌های خلاق استفاده کنند؛ یعنی آموزش را به سمت نوآوری، تولید ایده‌های جدید و پرورش خلاقیت دانش‌آموزان سوق دهند. این نتیجه اهمیت توجه به تقویت ذهنیت فلسفی در دوره‌های تربیت معلم و برنامه‌های توسعه حرفه‌ای را برجسته می‌سازد. در سطح کلان، می‌توان پیش‌بینی کرد که ارتقای ذهنیت فلسفی معلمان به بهبود کیفیت آموزش خلاق و افزایش توانایی دانش‌آموزان در نوآوری، حل مسائل پیچیده و سازگاری با تغییرات آینده منجر خواهد شد.

در شکل زیر نمودار پراکندگی بین ذهنیت فلسفی و سبک تدریس خالق نشان داده شده است.

همانطور که در جدول نتایج مشاهده می‌شود، با توجه به سطح معنی‌داری (۰/۰۱۵) که کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد فرض صفر تحقیق رد می‌شود و فرض حکم پذیرفته می‌شود؛ بین ذهنیت فلسفی معلمان و سبک تدریس خلاق رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد. ضریب همبستگی ۰/۱۸۳ نشان‌دهنده‌ی یک رابطه‌ی ضعیف اما مثبت است. سطح معنی‌داری ۰/۰۱۵ نیز بیانگر آن است که این رابطه از نظر آماری معتبر بوده و احتمال وقوع آن به‌صورت تصادفی بسیار اندک است. این نتیجه با مبانی نظری همخوانی دارد؛ زیرا ذهنیت فلسفی که شامل ابعاد جامعیت، تعمق و انعطاف‌پذیری است، معلمان را به سمت استفاده از روش‌های تدریس خلاق سوق می‌دهد. در سبک تدریس خلاق، معلم تلاش می‌کند با بهره‌گیری از نوآوری، روش‌های جدید و متنوع آموزشی، دانش‌آموزان را به تفکر خلاق، حل مسئله و تولید ایده‌های نو هدایت کند. بنابراین می‌توان گفت ذهنیت فلسفی



نمودار ۵. پراکندگی بین ذهنیت فلسفی و سبک تدریس خالق

فرض صفر: بین ذهنیت فلسفی و کیفیت آموزش معلمان دوره دوم ابتدایی شهرستان ریگان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود ندارد.

بررسی فرضیه دوم: بین ذهنیت فلسفی و کیفیت آموزش معلمان دوره دوم ابتدایی شهرستان ریگان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

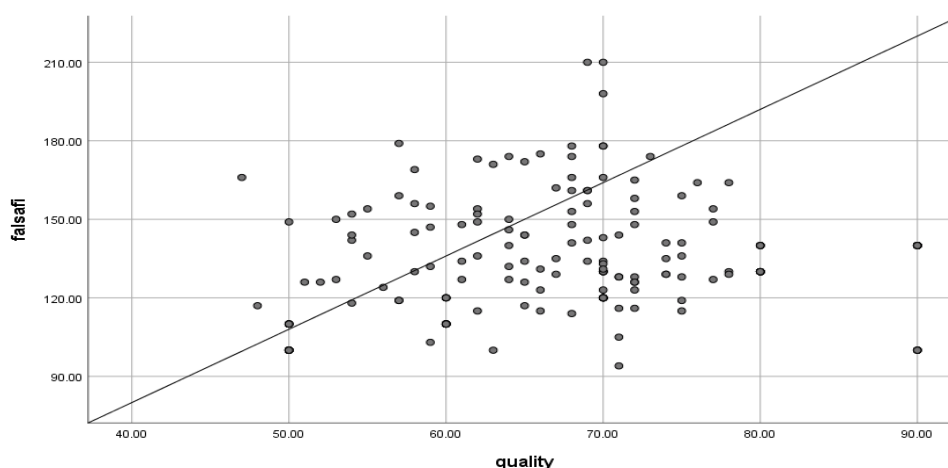
جدول ۷. نتایج آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن بین ذهنیت فلسفی و کیفیت آموزش

متغیرها	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
ذهنیت فلسفی	۰/۱۶۱	۰/۰۳
کیفیت آموزش		

اثرگذار است و باعث می‌شود یادگیری دانش‌آموزان عمیق‌تر و پایدارتر گردد. بنابراین هرچه سطح ذهنیت فلسفی معلمان بالاتر باشد، پیش‌بینی می‌شود که کیفیت آموزش آنان نیز ارتقا یابد؛ یعنی آموزش به سمت یادگیری مؤثر، پرورش مهارت‌های تفکر و افزایش رضایت دانش‌آموزان حرکت کند. این نتیجه اهمیت توجه به تقویت ذهنیت فلسفی در دوره‌های تربیت معلم و برنامه‌های توسعه حرفه‌ای را برجسته می‌سازد. در سطح کلان، می‌توان پیش‌بینی کرد که ارتقای ذهنیت فلسفی معلمان به بهبود کیفیت آموزش در مدارس و در نهایت به توسعه پایدار نظام آموزشی منجر خواهد شد.

در شکل زیر نمودار پراکندگی بین ذهنیت فلسفی و کیفیت آموزش نشان داده شده است.

همانطور که در جدول نتایج مشاهده می‌شود، با توجه به سطح معنی‌داری (۰/۰۳) که کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد فرض صفر تحقیق رد می‌شود و فرض حکم پذیرفته می‌شود؛ بین ذهنیت فلسفی معلمان و کیفیت آموزش رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد. ضریب همبستگی ۰/۱۶۱ نشان‌دهنده‌ی یک رابطه‌ی ضعیف اما مثبت است. سطح معنی‌داری ۰/۰۳ نیز بیانگر آن است که این رابطه از نظر آماری معتبر بوده و احتمال وقوع آن به‌صورت تصادفی بسیار اندک است. این نتیجه با مبانی نظری همخوانی دارد؛ زیرا ذهنیت فلسفی که شامل ابعاد جامعیت، تعمق و انعطاف‌پذیری است، معلمان را به سمت ارائه‌ی آموزش با کیفیت‌تر سوق می‌دهد. معلمانی که ذهنیت فلسفی بالاتری دارند، معمولاً در کلاس درس به تفکر انتقادی، پرورش خلاقیت، توجه به تفاوت‌های فردی و ایجاد محیط یادگیری فعال اهمیت بیشتری می‌دهند. این ویژگی‌ها به‌طور مستقیم بر کیفیت آموزش



نمودار ۶. پراکندگی بین ذهنیت فلسفی و کیفیت آموزش

جدول ۸. جدول تحلیلی رابطه بین متغیر پیش‌بین و متغیرهای ملاک

متغیر پیش‌بین	متغیرهای ملاک	نوع رابطه	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری	تحلیل پیش‌بینانه
ذهنیت فلسفی	سبک تدریس کلی	مثبت	۰/۲۹۷	۰/۰۰۱	پیش‌بینی می‌شود معلمان با ذهنیت فلسفی بالاتر از سبک‌های تدریس فعال تر و مؤثرتر استفاده کنند.
ذهنیت فلسفی	سبک تدریس مولد	مثبت	۰/۲۴۳	۰/۰۰۱	ذهنیت فلسفی بالا پیش‌بینی می‌کند که معلم از روش‌های تولید دانش و یادگیری خلاق بهره گیرد.
ذهنیت فلسفی	سبک تدریس عملی	مثبت	۰/۲۷۰	۰/۰۰۱	پیش‌بینی می‌شود معلم با ذهنیت فلسفی بالا، آموزش را به تجربه‌های عملی و کاربردی نزدیک‌تر کند.
ذهنیت فلسفی	سبک تدریس تحلیلی	مثبت	۰/۲۴۰	۰/۰۰۱	ذهنیت فلسفی بالا پیش‌بینی می‌کند که معلم به تحلیل مفاهیم و تفکر انتقادی توجه بیشتری داشته باشد.
ذهنیت فلسفی	سبک تدریس خلاق	مثبت	۰/۱۸۳	۰/۰۱۵	پیش‌بینی می‌شود ذهنیت فلسفی موجب استفاده از روش‌های نوآورانه و خلاق در تدریس شود.
ذهنیت فلسفی	کیفیت آموزش	مثبت	۰/۱۶۱	۰/۰۳۰	ذهنیت فلسفی بالا پیش‌بینی می‌کند که آموزش با کیفیت‌تری ارائه شود و یادگیری مؤثرتر گردد.

نتیجه‌گیری و بحث

نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که بین ذهنیت فلسفی و سبک‌های تدریس معلمان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد، نتایج حاصل از این پژوهش با پژوهش سیف هاشمی (۱۳۸۲) هم خوانی دارد. او نیز در پژوهش خود دریافت که رابطه معناداری بین ذهنیت فلسفی و خلاقیت وجود دارد. نتایج پژوهش خزاعی (۱۳۸۴) نشان داد که همبستگی معناداری بین ذهنیت فلسفی مدیران آموزشی و میزان بهره‌گیری آنان از مشارکت معلمان وجود دارد. اسمیت (۱۹۵۶) نیز بر اساس نتایج پژوهش خود دریافت که بین ذهنیت فلسفی مدیران با روابط انسانی مطلوب میزان خلاقیت مدیران و نیز با روحیه‌ی کارکنان رابطه‌ی مستقیم وجود دارد. بنابراین در اجرا و به کارگیری روش‌های تدریس ذهنیت فلسفی یا همان طرز تفکر صحیح علمی دبیران تأثیر گذار است؛ دبیرانی که طرز تفکر فلسفی دارند به نحوی که بتوانند در برخورد با مسائل به خوبی بیندیشند در فرایند تدریس نیز از ذهن فلسفی خود تأثیر می‌پذیرند و از روش‌های تدریس فعال استفاده می‌کنند، همچنین شهبازی دستجردی و میرشاه جعفری (۱۳۸۸) در تحقیقی نشان دادند که بررسی رابطه‌ی بین ذهنیت فلسفی و روش تدریس دبیران مدارس رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

بین ذهنیت فلسفی و کیفیت تدریس معلمان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. نتایج حاصل از این پژوهش با پژوهش مارینو (۲۰۱۰) هم خوانی دارد. او نیز در پژوهش خود دریافت که رابطه مثبت و معناداری بین ذهنیت فلسفی مدیران با بهبود عملکرد کارکنان وجود دارد. ترایگول و همکاران (۱۹۹۹) در پژوهش خود دریافتند که طرز تفکر استادان، عامل محدود کننده و یا آزاد کننده در تدریس کیفیت یادگیری دانشجو می‌باشد. زمانی بابگهری (۱۳۹۱) نیز در پژوهش خود دریافت که بین ذهنیت فلسفی و روش تدریس اعضاء هیئت علمی رابطه معناداری وجود دارد. سعیدیان (۱۳۸۹) در پژوهش خود نشان داد که بین ذهنیت فلسفی مدیران با روحیه شغلی معلمان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و با افزایش ذهنیت فلسفی مدیران روحیه شغلی معلمان افزایش می‌یابد. بندلی (۱۳۷۶) نیز در پژوهش خود نشان داد که بین ذهنیت فلسفی مدیران و کارایی آنان رابطه وجود دارد. شهبازی دستجردی و میرشاه جعفری (۱۳۸۸) در پژوهش خود نشان دادند که بین ذهنیت فلسفی و روش تدریس دبیران همبستگی معناداری وجود دارد. بنابراین در اجرا و به کارگیری روش تدریس ذهنیت فلسفی استادان تأثیر گذار است؛ استادانی که طرز تفکر فلسفی دارند توجهی بی حد بسه فنون تدریس داشته و مسائل تعلیم و تربیت را در ارتباط با اهداف نهایی تعلیم و تربیت در نظر می‌گیرند و فعالیت‌های خود را در راستای اهداف

اساتید دانشگاه، تأثیر مثبتی بر عملکرد تدریس آنها دارد. آنها می‌توانند در وظایفی که کیفیت تدریس را افزایش می‌دهد، مانند برنامه‌ریزی و آماده‌سازی فرآیند تدریس، ارزیابی و روابط انسانی، مدیریت کلاس درس و انجام مشارکت‌های حرفه‌ای، به خوبی عمل کنند. در جایی که اساتید از ذهنیت فلسفی بالایی برخوردار باشند، می‌توان انتظار داشت که کیفیت تدریس در آن دانشگاه نیز در سطح مطلوبی باشد.

همچنین کوشی و سلطانی (۱۳۹۴) در تحقیقی نشان دادند که رابطه خطی مثبت و معنادار بین ابعاد ذهنیت فلسفی (جامعیت، تعمق و انعطاف‌پذیری) با کیفیت آموزش اعضای هیئت علمی وجود دارد و این سه بعد از ذهنیت فلسفی قادر به پیش‌بینی کیفیت تدریس اساتید هستند. از میان ابعاد انگیزش شغلی بین متغیرهای خودباوری و رضایت شغلی با کیفیت آموزش رابطه خطی مثبت و معنادار وجود دارد و اثر بقیه ابعاد انگیزش شغلی بر کیفیت تدریس معنادار نیست.

یافته‌های این پژوهش نشان داد که ذهنیت فلسفی معلمان به‌عنوان متغیر پیش‌بین، توانایی پیش‌بینی تغییرات در سبک تدریس و کیفیت آموزش (متغیرهای ملاک) را دارد. ضریب همبستگی مثبت و معنادار بین این دو متغیر بیانگر آن است که هرچه سطح ذهنیت فلسفی بالاتر باشد، سبک تدریس معلمان نیز به سمت روش‌های مولد، عملی، تحلیلی و خلاق حرکت می‌کند و کیفیت آموزش آنان ارتقا می‌یابد. این نتایج نشان می‌دهد ذهنیت فلسفی نه تنها یک ویژگی فردی است، بلکه می‌تواند به‌عنوان شاخصی برای پیش‌بینی عملکرد آموزشی معلمان در نظر گرفته شود. به عبارت دیگر، ذهنیت فلسفی به‌عنوان متغیر پیش‌بین، مسیر و جهت تغییرات در سبک تدریس و کیفیت آموزش را مشخص می‌کند. معلمان که از جامعیت، تعمق و انعطاف‌پذیری بیشتری برخوردارند، سبک‌های تدریس متنوع‌تر و اثربخش‌تری را انتخاب کرده و در نتیجه کیفیت آموزش بالاتری را ارائه می‌دهند. بطور خلاصه می‌توان نتیجه گرفت که:

- ذهنیت فلسفی (پیش‌بین) نقش تعیین‌کننده‌ای در پیش‌بینی سبک تدریس و کیفیت آموزش (ملاک) دارد.

نهایی تعلیم و تربیت هدایت نموده و زمینه‌ی تحقیق‌پذیری انسان را فراهم می‌سازند. چنین اساتیدی در فرآیند تدریس از ذهن فلسفی خود تأثیر پذیرفته و از روش‌های فعال و خلاقانه تدریس استفاده می‌نمایند و به وسیله آن روش‌های تدریس فعال می‌توانند در یادگیری دانشجویان مؤثر باشند و همچنین ذهنیت فلسفی بسر عملکرد تدریس آنان به عنوان یکی از مهمترین وظایف اساتید دانشگاه تأثیر مثبتی گذاشته و از پس وظایفی که موجب افزایش کیفیت تدریس می‌شوند مانند برنامه‌ریزی و آمادگی فرآیند تدریس، ارزشیابی و روابط انسانی مدیریت کلاس و انجام مشارکت حرفه‌ای به خوبی برآیند و در جایی که اساتید از ذهنیت فلسفی بالایی برخوردار باشند می‌توان انتظار داشت که کیفیت تدریس در آن دانشگاه نیز در حد مطلوبی باشد.

همچنین نتایج نشان داد که بین ذهنیت فلسفی و کیفیت آموزش معلمان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج این پژوهش با تحقیقات مارینو (۲۰۱۰) همسو است. او نیز در تحقیق خود دریافت که بین ذهنیت فلسفی مدیران و بهبود عملکرد کارکنان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. تریگول و همکاران (۱۹۹۹) در تحقیق خود دریافتند که نحوه تفکر معلمان عامل محدودکننده یا رهایی‌بخش در تدریس کیفیت یادگیری دانش‌آموزان است. زمانی باباقری (۱۳۹۱) نیز در تحقیق خود دریافت که بین ذهنیت فلسفی مدیران و روش‌های تدریس اعضای هیئت علمی رابطه معناداری وجود دارد. سعیدیان (۱۳۸۹) در تحقیق خود نشان داد که بین ذهنیت فلسفی مدیران و روحیه حرفه‌ای معلمان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و با افزایش ذهنیت فلسفی مدیران، روحیه حرفه‌ای معلمان افزایش می‌یابد. بندلی (۲۰۰۷) نیز در تحقیق خود نشان داد که بین ذهنیت فلسفی مدیران و کارایی آنها رابطه وجود دارد. شهبازی دستجردی و میرشاه جعفری (۱۳۸۸) در پژوهش خود نشان دادند که بین ذهنیت فلسفی و روش‌های تدریس معلمان همبستگی معناداری وجود دارد. بنابراین، ذهنیت فلسفی معلمان در اجرا و به‌کارگیری روش‌های تدریس تأثیرگذار است؛ معلمان که دارای ذهنیت فلسفی هستند، به فنون تدریس توجه زیادی دارند و مسائل آموزشی را در ارتباط با اهداف نهایی آموزش و پرورش در نظر می‌گیرند و فعالیت‌های خود را در راستای اهداف نهایی آموزش و پرورش هدایت می‌کنند و زمینه را برای تحقیق فراهم می‌کنند. چنین اساتیدی در فرآیند تدریس تحت تأثیر ذهن فلسفی خود قرار می‌گیرند و از روش‌های تدریس فعال و خلاق استفاده می‌کنند. از طریق این روش‌های تدریس فعال، می‌توانند در یادگیری دانشجویان مؤثر باشند. همچنین، ذهنیت فلسفی به عنوان یکی از مهم‌ترین وظایف

تشکر و قدردانی

بدین‌وسیله نویسندگان از تمامی شرکت‌کنندگان در این پژوهش صمیمانه تشکر و قدردانی می‌کنند.

ملاحظات اخلاقی

در جریان اجرای این پژوهش و تهیه مقاله کلیه قوانین کشوری و اصول اخلاق حرفه‌ای مرتبط با پژوهش رعایت شده است.

حامی مالی

کلیه هزینه‌های پژوهش حاضر توسط نویسندگان مقاله تأمین شده است.

تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان، مقاله حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع بوده است. این مقاله قبلاً در هیچ نشریه‌ای اعم از داخلی یا خارجی چاپ نشده است.

- افزایش ذهنیت فلسفی معلمان پیش‌بینی می‌کند که سبک تدریس آنان از حالت سنتی و انتقالی به سمت سبک‌های فعال، تحلیلی و خلاق تغییر کند.
- همچنین ذهنیت فلسفی پیش‌بینی می‌کند که کیفیت آموزش در آینده ارتقا یابد و دانش‌آموزان از یادگیری عمیق‌تر، مشارکتی‌تر و مؤثرتر برخوردار شوند.

بنابراین ذهنیت فلسفی می‌تواند به‌عنوان یک شاخص کلیدی در انتخاب، تربیت و توانمندسازی معلمان مورد توجه قرار گیرد و سیاست‌گذاران آموزشی باید آن را در برنامه‌های توسعه حرفه‌ای معلمان لحاظ کنند. با توجه به نتایج این تحقیق پیشنهاد می‌شود: ۱- طراحی و اجرای دوره‌های آموزش فلسفه تفکر (فلسفی‌سازی معلم) ۲- بازنگری در فرآیندهای سنجش و ارتقای معلمان با تأکید بر شاخص‌های فلسفی مورد توجه برنامه ریزان حوزه آموزش و ارتقاء معلمان قرار گیرد.

References

- Arian, M & Colleagues. (2023). Research on teaching styles and their impact on student learning. *Journal of Psychology and Educational Sciences*. [In Persian]
- Asadian, S. Pir Moses & Saadatfar, R. (2017). Effective teaching in higher education based on professors' professional experiences and its relation to self-reported teaching. *Higher Education Curriculum Studies*, 8(15), 113–134. [In Persian]
- Ashkani, M. R. Sheikhal, N. Sheikhal, M., & Jafari, M. (2023). The impact of classroom management on students' motivation and participation in learning. *Proceedings of the First International Conference of Top Teachers and Leading Schools in the Third Millennium*. Bushehr: Shahid Rajaee Teacher Training University. [In Persian]
- Bandalizadeh, N. (1997). The effect of age, gender, years of service, educational degree, field of study, salary, and benefits of educational counselors on increasing motivation and job satisfaction. [Master's thesis, Islamic Azad University, Damghan Branch]. [In Persian]
- Behrangi, M. R & Yousefi, A. (2020). Canonical correlation analysis of the relationship between dimensions of philosophical mindset and contingency leadership style of managers. *Applied Educational Leadership Journal*, 1(1), 1–14. [In Persian]
- Faramarzikhaah, A. Asgarzadeh, H & Monfaredi Raz, B. (2007). The relationship between managers' self-awareness and organizational health in high schools of Borujerd. *Educational Studies*, 12, 84–88. [In Persian]
- Gholami, T. (2019). Exploring and explaining various types of teaching styles. *Journal of Modern Advances in Psychology*, 2(21). [In Persian]

- Goushi, Z & Soltani, A. (2015). Predicting teaching quality of faculty members based on philosophical and motivational factors. *Journal of Education and Learning Research*, 12(2), 29–48. [In Persian]
- Haghani, F. Chavoshi, E. Valiani, A & Yarmohammadian, M. H. (2010). Teaching styles of master's students in basic sciences at Isfahan University of Medical Sciences. *Iranian Journal of Medical Education*, 10(5), 943–949. [In Persian]
- Hajibabaei, H. (2020). Characteristics of "The school I love" based on the Fundamental Transformation Document in education. *Educational Innovations Quarterly*, 11(42). [In Persian]
- Hamdinassab, S. Pakmehr, H & Asgari, A. (2022). The relationship between the use of social networks and preferred teaching styles of student-teachers with the mediating role of their learning styles. *New Media Studies*, 8(30). [In Persian]
- Khazaei, H. (2005). The relationship between educational managers' philosophical mindset and teachers' participation from the perspective of male secondary school teachers in Birjand. [Master's thesis, Teacher Training University of Tehran]. [In Persian]
- Kouhsari, M & Colleagues. (2022). Effective teaching: Approaches and methods. *Journal of Education and Learning*. [In Persian]
- Mehdi Pour, Z and ebrahiminasab, R. (2024). The Role of Educational Technology Acceptance on the Quality of ICT-Based Teaching among High School Teachers in Rafsanjan. *Technology and Scholarship in Education*, 4(1), 117-131. doi: 10.30473/t-edu.2024.71018.1137 [In Persian]
- Marino, T. (2010). Moral fragmentation and spiritual absence: The representation of war.
- Moazzami, M & Vala, R. (2012). The relationship between philosophical factors and creativity of staff at Islamic Azad University, Tehran North Branch. *Educational Management Research Quarterly*, 4(2). [In Persian]
- Pratt, M. (2011). Learning style and teaching styles in EFL. *International Journal of Applied Linguistics*, 11(1), 1–35.
- Razaghi Nejad, M. H. Bakhshi, H & Mashaikhi, N. (2010). Teaching styles of faculty members at Rafsanjan University of Medical Sciences. *Hormozgan Medical Journal*, 14(3), 198–205. [In Persian]
- Salimi Naveh, A and ghafori, M. (2025). The relationship between philosophical mindset and research performance and creativity of professors at Shahr Babak Azad University. *Technology and Scholarship in Education*, 4(4), 85-95. doi: 10.30473/t-edu.2025.73473.1243 [In Persian]
- Salvara, M. Angela, A & Bogнар, G. (2007). A preliminary study to investigate the influence of different teaching styles on pupils' goal orientation in physical education. *European Physical Education Review*, 13(3), 355–366.
- Saeidi, A & Colleagues. (2021). Teaching quality and its impact on student learning: A comprehensive review. *Journal of Educational Research*. [In Persian]
- Saeidiyan, L. (2010). The relationship between managers' philosophical mindset and teachers' job morale in girls' elementary schools in Hamedan. [Master's thesis, Bu-Ali Sina University, Hamedan]. [In Persian]
- Seif Hashemi, F. (2003). The relationship between philosophical mindset and

creativity of secondary school principals in Isfahan. [Master's thesis, University of Isfahan]. [In Persian]

- Shahbazi Dastjerdi, R & Mirshah Jafari, S. E. (2009). The relationship between philosophical mindset and teaching methods of secondary school teachers in Isfahan. *Journal of Educational and Psychological Sciences*, 16(2), 41–58. [In Persian]
- Smith, P. J. (2009). *What is philosophy education?* New York: Macmillan.
- Stendler, B. (2011). Teaching and learning style in the clinical setting. *Medical Education*, 22, 222–226.
- Stendler, B. (2015). Teaching and students' approaches to learning. *Journal of Higher Education*, 37, 59–72.
- Trigwell, K. Prosser, M & Waterhouse, F. (1999). Relations between teachers' approaches to teaching and students' learning. *College Quarterly*, 19(2), 1–6.
- Webster's Dictionary of the English Language. (2003). New York: Webster Publishing.
- Zamani Babgohary, Z. (2019). The relationship between philosophical mindset and teaching methods of faculty members in public universities of Kerman. [Unpublished Master's thesis, Payame Noor University, Tehran Province]. [In Persian]